



معرفی کتاب

قدرت جادویی بداهه گوئی



• تألیف: آندری سدنیو
• ترجمه: عباس سعیدی
• انتشارات: جامعه‌شناسان
بداهه گوئی چیست؟

بداهه گوئی یک هنر است. هنر خلق چیزهای جدید در کمترین زمان و با حداقل امکانات. بداهه پردازی در تمام علوم دیده می‌شود. رایج‌ترین آن را در موسیقی و نواختن یک آهنگ می‌بینیم که هنرمند بدون آمادگی قبلی شروع به نواختن قطعه‌ای دل‌انگیز می‌کند و تحسین تماشاگران را برمی‌انگیزد. اما بداهه گوئی در فن بیان امری پیچیده‌تر است؛ چرا که شما زمانی مجبور به بداهه گوئی می‌شوید که معمولاً در شرایط عادی قرار ندارید.

بداهه گوئی یعنی چگونه صحبت کنیم تا حرف کم نیابیم و آنجایی که لازم است سریع حرف‌مان را بزنیم.

چرا باید مهارت بداهه گوئی را در خود تقویت کنیم؟

اگر شما یک فرد با مهارت کلامی بالا شوید و بتوانید در مقابل دیگران به خوبی و بداهه صحبت کنید؛ تا حد زیادی اعتبار شما بالا خواهد رفت. می‌توانید اطلاعات خود را با دیگران به اشتراک بگذارید و از آنها اطلاعات جدیدی کسب کنید که باعث بالا رفتن اعتماد به نفس شما خواهد شد و تا حد زیادی مهارت شما رو به دیگران اثبات خواهد کرد.

این کتاب، ساز و کاری جامع و گام به گام برای انجام سخنرانی‌هایی بسیار مؤثر در کمتر از ۳۰ ثانیه است. تمامی مثال‌ها و تکنیک‌های گفته شده در کتاب، بر اساس سال‌ها تحقیق و بررسی گردآوری شده و الگوی تمامی این آموزش‌ها، سیاستمداران، بازیگران و مجریان موفق در سراسر جهان هستند. با خواندن این کتاب هم ساعتی سرگرم خواهید شد و هم نکاتی دربارۀ بداهه گوئی، بازیگری، تفکر خلاق و روانشناسی کاربردی فرا خواهید گرفت. هنگامی که شما بر سیستم بداهه گوئی مسلط شوید، شدت به عنوان یک سخنران عمومی تمام عیار رشد خواهید کرد و به یک داستان‌پرداز حرفه‌ای در دایره دوستان تان و فردی خلاق‌تر در زندگی روزمره خود تبدیل خواهید شد.



اعظم زنگی

روزنامه‌نگار

بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی جایگاه بسیار خوبی برای کارگران در سینمای کشورمان برای ساخت آثار متنوع و جدید به وجود آمد؛ برای نمونه ساخت فیلم‌هایی مانند نیاز، زیر پوست شهر، روسری آبی و مانند آن. چرا امروز کارگران را در فیلم‌های ایرانی نمی‌بینیم؟

بعد از پیروزی انقلاب در سال‌های ابتدایی (یعنی تا پایان دهه ۵۰) ما در سینمای کشورمان فیلم‌های چندانی مطرحی که در آن کارگران محور اصلی فیلم باشد را مشاهده نمی‌کنیم. البته شرایط حاکم بر سینما در آن دوران تحت تأثیر عوامل مختلفی بود. انقلاب اسلامی در کشور به وجود آمده بود و طبق صحبت‌هایی که امام (ره) در مورد سینما کرده بودند، می‌بایست سینما در خدمت انقلاب و آرمان‌های آن قرار می‌گرفت. بعد از آن نیز که جنگ تحمیلی آغاز شد. در آن دوران، فیلم‌های ساخته شده در سینمای کشورمان نه رؤیای پرآزانه بود، نه واقع‌گرایانه بلکه فیلم‌های فضایی در حال گذار را به تصویر می‌کشیدند. در آن دوران غالباً در فیلم‌هایی که ساخته می‌شد یا کارگران را در حال اعزام به جبهه‌ها به تصویر می‌کشید که برای دفاع از میهن خود کار خود را تعطیل کرده‌اند و روانه جبهه‌ها می‌شوند یا در خانه، اما با مناعت طبع بالا با همان سفره کوچک خود و بدون هیچ توقعی در حال کار و زندگی هستند. اما به جرأت می‌توان گفت دهه ۷۰ سرآغاز تحول در سینمای اجتماعی ایران بود و ساخت فیلم‌هایی که شما به آن اشاره کردید نیز در این دهه شکل گرفت.

در این دهه به دلیل تغییر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه، سینمای ایران نیز وارد فاز جدیدی شد و فیلمسازان رویکرد جدیدی را در انتخاب سوژه‌ها و کاراکترها در تولید و ساخت فیلم‌های خود با مضامین مختلف به کار گرفتند و کم‌کم پای جامعه کارگری نیز به سینما باز شد. فیلم‌های تولید شده در این دهه مانند فیلم «نیاز» به کارگردانی علیرضا داوودنژاد، «روسری آبی» رخشان بنی‌اعتماد یا «بچه‌های آسمان» مجید مجیدی و تعدادی فیلم دیگر مسائل و مشکلات کارگران را با رویکردی واقع‌گرایانه اجتماعی به تصویر می‌کشند؛ به این دلیل که جامعه ایران توقع و انتظار آثار بهتری را از سینماگران دارد. به‌ویژه ما این تحول و دگرگونی را در فیلم «نیاز» مشاهده می‌کنیم. به هر حال ساخت فیلم‌هایی با مضامین کارگری به دلیل فرم و ساختاری که دارند و در آن همیشه کارگر به نوعی در حال اصطکاک با کارفرمای خود است، بازگوکننده مسائل و مشکلات این قشر از جامعه است که در موضع حق قرار دارند و به نوعی حق

در گفت‌وگو با رضا در ستکار؛ منتقد سینمای کشورمان مطرح شد
در سینما، ژانری به نام «ژانر کارگری» نداریم!

با نگاهی به مخاطبان اصلی سینما به این موضوع پی می‌بریم که بخش قابل توجهی از طرفداران هنر هفتم را در جهان، قشر متوسط و رو به پایین جامعه تشکیل می‌دهند. در گذشته که سینمای تحت عنوان «سینمای رؤیای پرداز» وجود داشت، اساساً تمامی قصه‌ها و سناریوهای فیلم‌ها بر محور طبقه پایین جامعه و همچنین طبقه کارگری استوار بود. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبود. فیلم‌هایی مانند «گنج قارون» در واقع مخاطب اصلی آن، طبقه محروم و رو به پایین جامعه را تشکیل می‌داد که در واقع جزو سینمای «رؤیای پرداز» محسوب می‌شود. همچنین سایر فیلم‌ها که نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورها بر اساس همین مضامین ساخته می‌شد که به نوعی امید و شانس و اقبال را در مخاطب برای ساختن آینده‌ای بهتر برای خود زنده می‌کرد و از قضا نیز در آن دوران اینگونه فیلم‌ها، مخاطبان فراوانی را جذب و راهی گیشه‌های سینما ساخت. با این حال، جای خالی کارگران و مسائل و چالش‌هایی که این قشر عظیم از جامعه همواره در طول زندگی با آن دست به گریبانند در این هنر پر مخاطب و صنعت پولساز در جهان همیشه به چشم می‌خورد. در این شماره از «آب‌نبو» گفت‌وگویی با مجید در ستکار، کارشناس و منتقد مطرح سینمای کشورمان ترتیب دادیم تا درباره چرایی این موضوع بیشتر آشنا شویم.

گفت‌وگو

آنان؛ چه از سوی کارفرمای خود و همچنین دست بالاتر یعنی جامعه نادیده گرفته می‌شود و او مدام در حال کشمکش و ستیز در به دست آوردن حق خود از کارفرما و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. اما در نظر داشته باشید ساخت اینگونه فیلم‌ها به دلیل ممیزی‌های خاصی که در تولید و ساخت آنها صورت می‌گیرد، همواره دست تهیه‌کنندگان و کارگردانان را در به تصویر کشیدن این قشر از جامعه به نوعی می‌بندد و فیلمسازان نیز چندان تمایلی از خود نشان نمی‌دهند که در ساخت آثارشان خط قرمزها را بشکنند که آثارشان دچار آن ممیزی‌ها شود. البته در ساخت فیلم‌هایی با مضامین کارگری می‌بایست کلیات ساخت فیلم‌هایی با مضمون کارگری را نیز در نظر داشت؛ اینکه این قشر جزو شریف‌ترین و زحمتکش‌ترین قشر جامعه هستند که دولت‌ها نیز نظر و عقیده‌شان بر همین امر استوار است و آنان نیز قبول دارند و بر این باور هستند که کارگران در برهه‌های مختلف همواره حامی انقلاب و دستاوردهای آن بوده و هستند، بنابراین ساخت فیلم‌هایی که این مضامین را در هم شکند به نوعی در این فضا نمی‌گنجد؛ اما نمی‌توان منکر مشکلات این قشر از جامعه و به تصویر کشیدن آن نشد.

اجتماعی به دلیل تم و زمینه غمباری که دارند نسبت به فیلم‌های کمیک از اقبال کمی برخوردارند، اصلاً حرف درستی نیست؛ چه بسا برخی فیلم‌ها با مضامین اجتماعی نسبت به فیلم‌های کمیک از اقبال و فروش بالاتری نیز برخوردار بودند؛ بنابراین نمی‌توان نسبت به این موضوع نظری قطعی داد.

نخستین حضور کارگران در تاریخ سینما از کجا و با ساخت چه فیلم‌هایی آغاز می‌شود؟ تا جایی که من اطلاع دارم نخستین حضور کارگران در تاریخ سینما به ساخت فیلم‌هایی کوتاه ساخته کمپانی «برادران لومیر» بازمی‌گردد. توجه داشته باشید در صنعت فیلمسازی جهان، ما ژانری به نام ژانر کارگری نداریم. در صنعت فیلمسازی انواع ژانر مانند درام، ملودرام، نوار، رئالیسم اجتماعی، رئالیسم جادویی، کمدی سیاه، وحشت و... وجود دارد، اما فیلم‌هایی دارای مضامین اجتماعی مانند کارگران در دسته ژانر «رئالیسم اجتماعی» می‌گنجد. در کشور ما با آغاز اصلاحات ارضی در روستاها و از طرفی راهاندازی کارخانجات صنعتی و یا صنایع مونتاژکاری در اطراف شهرهای بزرگ و صنعتی، پای کشاورزان و کارگران را به این شهرها باز کرد و این خود سرآغازی بود تا این قشر از جامعه پایش به سینما باز شود و فیلم‌هایی با مضامین مهاجرت روستاییان به شهرها و به کارگیری آنان در کارخانه‌ها و صنایع نوپدید ساخته شوند. برای نمونه می‌توان در قیاس از انقلاب فیلم «گنج قارون» و بعد از انقلاب به فیلم «نیاز» اشاره کرد؛ همچنین فیلم‌های دیگری که با این مضامین در کشور ساخته شدند.

بهره‌برداری شوروی و بلوک شرق در نیمه نخست قرن بیستم از جایگاه کارگران در سینما به چه صورت بود و آنان چه استفاده‌ای از این هنر و صنعت در پیشبرد اهداف خود کردند؟ خوب بسیار طبیعی بود که شوروی و بلوک شرق به نفع خود و آرمان‌های خود از کارگران استفاده کنند. آنان نه تنها در هنر سینما بلکه در سایر عرصه‌های هنری از کارگران برای استفاده و پیشبرد اهداف انقلابی و آرمانی خود استفاده کردند، اما در نظر داشته باشید کارگران کانون اصلی آنان اهداف انقلابی آنان را تشکیل می‌داد. اینکه طبقه‌ای وجود ندارد و همه جزو یک طبقه با حقوقی برابر و یکسان هستند از آمال و آرزوی اصلی کارگران بود و فیلم‌هایی که در آن دوران ساخته شد نیز حول این مضامین ساخته می‌شد، اما دیری نپایید که آن ساختار نیز به دلیل پوک و پوشالی و همچنین بی‌معنی بودن، درهم شکست و از میان

رفت و این موضوع نشان داد استفاده کمونیست‌ها در به کارگیری کارگران در صنعت سینما فقط برای به تحقق رساندن افکار آنان بود و دستاورد دیگری نیز که مطرح باشد به دنبال نداشته است.

به نظر شما سینمای ما در ابتدای انقلاب تا چه حد تحت تأثیر افکار چپ و به نوعی «کارگرزده» بود؟ آیا شما نمونه خاصی را سراغ دارید؟ همانطور که اشاره شد با اصلاحات ارضی در ایران و مهاجرت کارگران و کشاورزان به شهرهای صنعتی و به کارگیری آنان در این صنایع و از همه مهم‌تر فاصله طبقاتی حاکم بر جامعه در آن دوران کم‌کم زمینه برای برخی ناراضیاتی‌ها به وجود آمد که وقوع انقلاب سال ۱۹۱۷ شوروی و ترویج افکار کمونیستی، زمینه را برای بروز و ظهور این ناراضیاتی‌ها با آن شعارها و افکار برابری و مساوات در دست‌ترج فراهم ساخت. در گوشه و کنار کشور نیز ترویج این افکار برخی فیلمسازان را تحت تأثیر خود قرار داد و تعدادی نیز فیلم با این مضامین ساخته شد که به عنوان نمونه می‌توان به فیلم «آفتاب‌نشین‌ها» یا «فریاد مجاهد» اشاره کرد.

آیا در حالیهود سابقه ساخت فیلم‌های کارگری مطرح و گیشه‌پسند وجود دارد؟ بله در حالیهود فیلم خوش‌ساخت و مطرح «در بارانداز» ساخته «الیا کاران» با بازی دررخشان «مارلون براندو» تحسین جهان را برانگیخت. فیلمی که نشان داد کارگری که همواره حق او توسط سندی‌کاهای پر قدرت و بانفوذ پامال می‌شود با استقامت و مبارزه تا پای جان، سرانجام به حق و خواسته خود می‌رسد و کارفرما را به زانو درمی‌آورد. این فیلم، انقلابی در حوزه کارگری و کارفرمایی و روابط این دو با هم در جهان به وجود آورد و به جرأت می‌توان گفت سرآغازی شد برای ساخت فیلم‌هایی با این مضامین در دیگر کشورها در سراسر جهان.

به نظر شما برترین فیلم‌های کارگری ایران و جهان کدامند؟ در سینمای قبل از انقلاب در کشورمان فیلم «گنج قارون» و «آواز گنجشک‌ها» یا فیلم «زیر پوست شهر» و «جدایی نادر از سیمین» جزو تأثیرگذارترین فیلم‌ها در زمینه سینمای واقع‌گرایانه اجتماعی محسوب می‌شوند. در سطح بین‌الملل نیز فیلم «در بارانداز»، «دزد دو چرخه» و «عصر جدید» جزو شاهکارهای تاریخ سینمای جهان به شمار می‌آیند.

برخی منتقدان معتقدند این روزها، به دلیل پر فروش بودن سینمای کمدی، فیلم‌های کارگری (که درون‌مایه غمباری دارند) ساخته نمی‌شوند. نظر شما در این باره چیست؟

ببینید سینمای کارگری نه تنها در ایران بلکه در بیشتر کشورهای جهان به‌ویژه در هندوستان جزو سینمای رؤیای پردازانه محسوب می‌شود، اما اینکه این سبک از سینما درونمایه غمباری دارند، چندان درست نیست. در هنر سینما، مضامین اجتماعی دو طیف را تشکیل می‌دهند؛ سینمای متعهد و واقع‌گرایانه اجتماعی و سینمای رؤیای پردازانه که در آن واقعیات جامعه بدون کم و کاست به تصویر کشیده و به بیننده منتقل می‌شود. در سینمای رؤیای پردازانه نیز چه قیاس از انقلاب و چه فیلم‌هایی که اکنون ساخته می‌شوند، همان خانه‌های لوکس و ماشین‌های آخرین سیستم به تصویر کشیده می‌شوند؛ مانند فیلم‌های قبل از انقلاب که یک قشر بسیار ضعیف جامعه در برابر قشر بسیار مرفه جامعه قرار می‌گرفت که از لحاظ جنبه‌های هنری اصلاً فیلم‌هایی به دردی خوری نیز به حساب نمی‌آیند اما به نوعی، هم کمیک بودند، هم گیشه‌پسند و این درست همان موضوعی بود که سازندگان آن فیلم‌ها به دنبال آن بودند، اما اینکه ما بگوییم فیلم‌های دارای مضامین

در صنعت فیلمسازی انواع ژانر مانند درام، ملودرام، نوار، رئالیسم اجتماعی، رنالیسم جادویی، کمدی سیاه، وحشت و... وجود دارد، اما فیلم‌هایی دارای مضامین اجتماعی مانند کارگران در دسته ژانر «رئالیسم اجتماعی» می‌گنجد

کتابخانه مرکزی سازمان تأمین اجتماعی به منظور کاربردی کردن و توسعه دانش تخصصی در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، معرفی منابع جدید اعم از کتاب، طرح‌های پژوهشی، معرفی پایان‌نامه و رساله‌های جدید و غیرتطویر دستور کار خود دارد. علاقمندان به تهیه این کتاب می‌توانند جهت مطالعه و امانت گرفتن این کتاب با تلفن ۶۶۵۷۰۱۳۷ داخلی ۳۰۱ کتابخانه مرکزی سازمان تأمین اجتماعی تماس بگیرند.

مهناز علی جانی
کارشناس ارشد و مسئول کتابخانه مرکزی سازمان